

تاثیر زمان و مکان بر تخیر بزهکار در پرداخت دیه

علی طالع زاری^۱، عقیل خادم‌ملو^۲

^۱ استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان

^۲ کارشناس ارشد گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

علی طالع زاری

safireedalat@gmail.com

چکیده

مشکلات اجرایی مواد قانونی مرتبط با دیات و ضعف‌هایی که در این حوزه نسبت به پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه‌ی ما دارد، ناهماهنگی آن را با مقتضیات زمان و مکان ثابت نموده است. چنانکه مقررات دیه در عرف آن زمان و مکان (صدر اسلام) بر اساس ضرورتها و نیازهای آن دوره‌ی زمانی در راستای اجرای عدالت بوده است. اصناف تعیین شده دیه اساساً حکم ثابت شرعی نیست؛ بلکه با توجه به مقتضیات زمان و مکان، امکان تغییر در آن وجود دارد. در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه تعیین شده، و قاتل در انتخاب هر یک از اعیان مذکوره مخیر بوده است؛ این ماده قانونی اگر چه با فتوای مشهور فقهای امامیه و عامّه همسو بود؛ اما فقهای عظام به این نتیجه رسیده‌اند که هیچیک از امور ششگانه مورد نظر در تعیین دیه موضوعیت نداشته و پرداخت مقداری از مال، جهت تدارک خسارات وارده به مجنی علیه و یا اولیای وی مد نظر شارع مقدس بوده است؛ همچنین مخیر دانستن بزهکار در پرداخت یکی از گونه‌های ششگانه لاقابل با توجه به تفاوت فاحشی که در شرایط اقتصادی فعلی در قیمت آنها وجود دارد، عاقلانه به نظر نمی‌رسد. بنا بر این اصلاح این ماده از قانون مجازات اسلامی توسط قانون گذار ضرورت دارد. از آنجاییکه با توجه به مقتضیات زمان حال میزان دیه در شرع مشخص نشده است. اقلام شش گانه که برای تعیین نرخ دیه بود، در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ حذف گردیده است؛ تا دیگر دچار مشکل نگردد. روش تحقیق در تدوین مقاله روش کتابخانه‌ای (تحلیلی، توصیفی) می‌باشد

واژگان کلیدی: دیه، تخیر بزهکار، فقه، قانون مجازات اسلامی

مقدمه

از ابتدای ظهور اسلام و در زمان پیامبر اکرم (ص) دیه تحت عنوان شتر تعیین شده بود؛ ولی بعد ها با ایجاد و بروز جراحات، آسیب ها و صدمات منطبق با شرایط زمانی و مکانی آحاد افراد جامعه اعم از تجار، پیشه وران، کشاورزان بادیه نشینان، دامداران و... پیامبر اکرم (ص) پنج قسم دیگر را بر اقسام دیه افزودند، که من حیث المجموع دیه به شش نوع رسید.

در متون فقهی و مقررات قانونی زمان های گذشته مقدار دیه نفس با استناد به اقسام شش گانه تعیین گردیده و پرداخت کننده نیز در انتخاب هر یک از اجناس مخیر گذاشته شده بود؛ اما این شیوه ی تعیین دیه و نحوه محاسبه ی آن منطبق با وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه ی کنونی ما نمی باشد؛ چرا که امروزه در جامعه ی ما به مثابه ی سایر جوامع پول به عنوان معیار و مبنای اصلی مبادلات و ملاک تعیین قیمت سایر اشیاء نقش اساسی یافته است؛ مردم هم در نیازهای روزمره ی خود و ایفای تعهدات مالی خود از نقد رایج استفاده می نمایند. لذا دیگر قابل پذیرش نیست که کالاهایی چون شتر، گاو، گوسفند، حله، درهم و دینار که تهیه ی آنها در زمان حاضر وفق خصوصیات ملحوظ در قانون ممکن نبوده و یا لاقابل برای همه ی افراد جامعه مقدور نمی باشد؛ مبنای تعیین خسارت و یا وضع مجازات قرار گیرد.

آنچه مهم است می بایست ملاکی متناسب با عرف متعارف جامعه ی ما برای تعیین دیه و ویژگیهای آن تدوین گردد؛ اگر هم بر اساس عصر پیامبر ملاک در پرداخت دیه اصناف ششگانه باشند، با توجه به تفاوت فاحشی که در عصر حاضر از جهت ارزش یابی میان امور ششگانه ی یاد شده بوجود آمده است، باز گذاشتن دست پرداخت کننده ی دیه (تخیر) در انتخاب یکی از این شش قسم دیه چندان وجهی نمی تواند داشته باشد؛ لذا ضروریست تا به منظور حاکمیت نظام حقوقی پویایی که مماثلت و مطابقت با احکام اسلامی داشته و متناسب با مقتضیات زمان، مکان و شرائط اقتصادی و اجتماعی جامعه بوده قانونی جامع و مانع جهت پرداخت دیه بنیان نهاده شود، تا منطبق با قانون مجازات اسلامی و در مسیر و جهت احقاق حقوق حقه ی بزه دیده یا خانواده او حرکت کند.

۲. بیان مساله

با توجه به تفاوت فاحشی که در بحث ارزشگذاری میان اصناف شش گانه یدیه در طول زمان به وجود آمده است، مخیر نمودن بزهکار و باز گذاشتن دست وی در انتخاب یکی از اصناف دیه عقلایی و منطقی به نظر نمی رسد؛ از این رو باید چاره ای اندیشید تا نظام حقوقی پویا و مبتنی بر احکام اسلام همچنین متناسب با مقتضیات زمان و شرایط اقتصادی و اجتماعی جهت پرداخت دیه تشریع و تدوین گردیده که بدون هیچ گونه مشکلی اجرایی گردد. استناد به موارد شش گانه ی دیه وفق قانون سال ۷۰ که در سیستم قضایی کشور جریان داشت، در مقام اجرا، با تنگناها و مشکلاتی روبرو گردید، لذا مستلزم آنست تا در الحاقیه قانون مجازات سال ۹۲ فقیهان، حقوقدانان و صاحب نظران به گونه ای نسبت به تقنین قوانین دیات عمل نمایند، تا پاسخگوی مشکلات و گره گشای نیازهای مردم ضمن لحاظ نمودن مقتضیات زمان و مکان در امر پرداخت دیه نفس و دیه ی اعضا گردد. آیا اعمال اصل تخیر جهت بزهکار در انتخاب یکی از گونه ها در پرداخت دیه با وجود عدم تساوی در ارزش، منطقی، عقلانی و عرفی می باشد؟ آیا آزاد گذاشتن بزهکار در انتخاب هر یک از گونه ها با توجه به ناهمسانی و عدم تساوی در ارزش بر اساس زمان حال به واقع پایمال نمودن حقوق اولیاء دم نخواهد بود؟ در عصر حاضر که درهم و دینار سکه زده شده اند و به عنوان پول رایج وجود ندارند، از طرفی پرداخت شتر، گاو، گوسفند و حله برای بسیاری از بزهکاران به ویژه در شهرها مقدور نبوده و عملاً غیر ممکن می باشد؛ چه چاره ای باید اندیشید و چه باید کرد؟ چه مقامی می تواند گونه های شش گانه را معیار و تراز جهت پرداخت دیه بر اساس پول رایج کشور قرار دهد، آیا این از وظایف حاکم اسلامی نیست؟

در این مقال سعی گردیده است تا با هدف نگرشی جدید به مساله و استفاده از آراء و فتاوی مراجع و مجتهدان بزرگ و نظرات حقوقدانان، نظرات مشورتی، و دیدگاه های اساتید برجسته حقوق جزا، موضوع تحقیق مورد تجزیه و تحلیل، ارزیابی، نقد و ارائه ی راه حل هایی منطبق با قوانین و از سویی عدم مغایرت با احکام فقهی متناسب با اقتضای زمان و مکان و نیازهای مردم در جامعه ی اسلامی قرار گیرد.

۳. مبانی نظری تخیر بزهکار در انتخاب نوع دیه

سوالی که به ذهن متبادر می گردد این است که منظور از روایات دلالت بر تخیر بزهکار و یا عاقله در پرداخت هر یک از اجناس دیه می باشد؟ یا اینکه این گونه تعبیر دلالت دارد بر اینکه هر صنف و گروهی از مردم می بایست جنس خاصی را که اهل آن به

حساب می آیند به عنوان دیه بردارند؛ و سایر اجناس از آنان پذیرفته نمی شود. میان فقها در خصوص این موضوع اتفاق نظر وجود نداشته بلکه محل اختلاف است؛ گروهی چنین تعبیراتی را دال بر تخییر دانسته و گروهی دیگر اهل بودن صنفی از مردم نسبت به اجناس دیه حمل بر تخصیص هر یک از اجناس دیه به صنفی خاص از مردم دانسته اند (طرفداران تنويع در ديه) در میان نظرات فقهای عام و امامیه، قول مشهور در میان فقهای متأخر شیعه تخییر می باشد ولی فقهای اهل سنت بیشتر قول به تنويع را پذیرفته اند. فقیهان شیعه بکه در اصل بودن همه ی دیات ششگانه بر یک نظر بودند، در این مسأله اختلاف نظر دارند.

مشهور فقهای معاصر بر این عقیده هستند که انتخاب یکی از انواع مذکور با بزهکار است و وظیفه ی اصلی در هریک از انواع شش گانه تخییر است و فرقی بین صورت تساوی قیمت و اختلاف آن نیست، بلکه آن را اجماع خوانده اند. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۳)

ظاهر سخنان اصحاب بیانگر آن است که بزهکار در گزینش نوع دیه مخیر بود؛ و همین هم، برابر اصل تخییر است نه تنويع، چنانکه در میان فقیهان معروف و بلکه متأخران این امر اجماعی است. بنابراین هر یک از گونه هایی را که بردارند، صاحب حق نمی تواند از پذیرش آن سرپیچی کند هر چند پرداخت کننده از دارندگان آن نوع نباشد.

بر همین اساس در قانون مجازات اسلامی بزهکار آزاد گذاشته شده تا گونه دیه را خود برگزیند. نخستین فقیهی که از عبارت وی اختیار بزهکار استفاده می شود، (ابن زهره) است او بیان می دارد:

«دیه انسان آزاد مسلمان در قتل عمد، صد شتر، یا دویست گاو، یا دویست حله یا هزار گوسفند یا هزار دینارو یا هزار درهم نقره خوب است»

آقای مرعشی شوشتری در مورد مسأله ی تخییر بزهکار در انتخاب دیات ششگانه با اشاره به زمان صدر اسلام می گویند: «در آن زمان صد شتر یا دویست گاو و هزار گوسفند برابر بود؛ به نظر من یکی از مسائلی که در موارد دیات باید اصلاح شود همین تخییر بین انواع دیات است؛ تخییر در زمانی که بین انواع، تفاوت قیمت باشد معنا ندارد و نامعقول است. مسأله تخییر با مقتضیات زمان سازگار نیست؛ چون در آن روزگار دیات شش گانه با هم برابر بودند؛ از طرفی شارع حکم به تخییر داده است؛ ما هدف شارع را که اقامه قسط و عدل اسلامی است، باید در نظر بگیریم و نباید در اثر عدم توجه به اوضاع و احوال جامعه سر و صدا ایجاد کنیم؛ امروزه باید دور اصل تخییر در این خصوص خط کشیده شود زیرا منطبق با عدالت نیست».

در روایات اجناس به وسیله ی حرف (واو) و یا (او) بر یکدیگر عطف شده اند، این نه به آن معناست که پرداخت هر یک از اجناس دیه به نحو تخییر، چنانکه بعضی گفته اند، و یا به نحو تنويع، چنانکه بعضی دیگر مدعی شده اند، بر موءدی دیه واجب باشد. بلکه این گونه تعبیر برای رفع توهم جمع بین این اجناس در مقام پرداخت دیه بوده است. شاید در جهت دفع چنین توهمی بوده که در صحیحی ی فضلاء در مورد دیه چنین آمده است: «دیه صد شتر است و در آن درهم و دینار و سایر اجناس وجود ندارد. به عبارت دیگر حضرت در این روایت، چنانکه بعضی از فقها هم احتمال داده اند، خواسته اند بگویند که لازم نیست زاید بر صد شتر چیز دیگری به عنوان دیه پرداخت شود؛ که شاید این اشاره به سنن رایج در میان بعضی قبایل عرب داشته که در مقام طلب دیه و خونبهای مقتول خود، به اقتضای مقام و منزلت و شرافت قبیله ای او، تقاضای دیه ای بیش از مقدار مقرر شده می نمودند، و امام (ع) نیز در اینجا این سنت را نهی نموده اند.

(مرعشی شوشتری، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸)

همچنانکه خداوند متعال با این تعبیر که " فلا یسرفی القتل " از انتقام جویی بیش از حد در مواقع بروز قتل و کشتار خویشان و بستگان قاتل در ازای قتلی که او مرتکب شده نهی نموده است.

از ضمیمه ساختن روایات به یکدیگر به این نتیجه می توان دست یافت که تنها چیزی که روایات در صدد بیان آن بوده اند، تعیین مقدار (نقدی) دیه از اجناس مختلف بوده است؛ بی آنکه به این موضوع که نوع دارایی پرداخت کننده دیه چیست و او مالک کدام یک از اجناس به شمار می آید، نظر داشته باشند. جمعی از فقها عقیده بر تنويع دارند. (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۱۵)

۳-۱. تخییر جانی (بزهکار) از منظر فقها

از آنچه در کتابهایی مثل «مفتاح الکرامه» و «جواهر الکلام» بیان شده است، استفاده می شود که فقهای امامیه در باره مقادیر دیه کامل و روش انتخاب آن دیدگاههای مختلفی دارند. برخی از این نظرات به شرح زیر است:

الف: دیه کامل، یکی از انواع ششگانه (صد شتر، دویست گاو، هزار گوسفند، هزار دینار، ده هزار درهم و دویست حله) می باشد و

این امر مورد اجماع فقهای عظیم الشان است. (الحسینی العاملی، ۱۳۷۲، ص ۳۶۵)

ب: مشهور فقهای متقدم بر آنند که انتخاب یکی از انواع دیات ششگانه با جانی است و وظیفه اصلی در هر یک از انواع مذکور

تخییر است و فرقی بین صورت تساوی قیمت و اختلاف آن نیست. (الحسینی العاملی، همان، ص ۳۵۷)

ج) در این زمینه فقیه معروف محقق حلی می نویسد:

«هر یک از این شش نوع، وظیفه اصلی و هیچ یک مشروط بر عدم دسترسی به نوع دیگر نیست و جانی در انتخاب مخیر است

» (حلی، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۲۲)

ه) در مقابل، جمعی از فقها عقیده به تنويع دارند و گفته اند: «بر دارندگان نقدینه، درهم و دینار و بر شترداران، شتر و بر گاوداران، گاو و بر گوسفندداران، گوسفند و بر بافندگان و پارچه داران حله واجب است». (نجفی، همان)

و) از کلام قاضی ابن براج در کتاب «المهذب» چنین استفاده می شود که تعیین و کفایت انواع ششگانه بر سبیل تنويع در صورت تساوی قیمت آنها می باشد. (قاضی طرابلسی، ص ۴۵۷)

فقهای اهل سنت نیز همانند فقهای شیعه درباره مقادیر ديه کامل اختلاف نظر دارند و هریک از مذاهب چهارگانه اهل سنت، برای اثبات نظریه خویش به دلایلی همچون روایات و قیاس تمسک جسته اند.

ابویوسف و محمد شیبانی ضمن قبول ضمنی اصل تخییر معتقدند که هر شش گزینه در ديه مجزی است و صاحب حق، مجبور به قبول آن ديه ای است که جانی آن را پرداخت می کند.

دکتر وهبه الزحیلی در الفقه الاسلامی و ادله می نویسد: «رأى الصاحبين و احمد ان الدية يجب من ستة اجناس و هي الابل اصل الدية و الذهب و الفضة و البقر و الغنم و الحلل و الخمسة الاولى هي اصول الدية عند الحنابلة». (زحیلی، ۱۴۰۶ ق، صص ۵۰۴ و ۵۰۵)

ظاهر روایت این است که عمر به دلیل گران شدن شتر در زمان خود، ديه را بر هریک از دارندگان دینار و درهم و گوسفند و گاو و حله قیمت گذاری نموده است؛ البته در اینکه آیا مکلف در بین اقسام ديه مختار است و یا اینکه هریک بر دارنده آن واجب تعیینی است، بین کلمات فقهای اهل سنت اختلاف وجود دارد؛ کلام صاحب کتاب مذکور ظهور در تعیین ندارد، بلکه می توان آن را به تخییر ديه بین شش گزینه تفسیر نمود. اصل بودن شتر مانع این معنا نیست و این در حالی است که از برخی عبارات، تعیینی بودن استفاده می گردد.

۲-۳. تبیین اقوال فقهای متأخر در باب تنويع یا تخییر ديه

در ابتدا لازم است تا ما تفاوت قول به (تنويع) را، که قائل به استظهار آن از روایات می باشیم، با قول به تخییر که اکثر فقهای متأخر قائل به آن شده اند، مشخص نماییم؛ تا معلوم شود که ثمره ی پذیرش هر کدام از این اقوال در عمل چه خواهد بود. به ظاهر تفاوتی دو قول معلوم است اما گاهی لازمه ی قول به تنويع نیز تخییر بزهکار است، لذا تشریح بیشتر موضوع مفید فایده خواهد بود. فقها وجوه افتراق و نزاع بر سر دو قول (تخییر) و (تنويع) را بدین شکل بیان نموده اند که:

اگر ما قائل به تخییر بزهکار در پرداخت یکی از اجناس ديه شویم، آن وقت می توانیم بگوییم بزهکار مخیر و جایز است، یکی از اقسام شش گانه و اجناس ديه را که اهل آن شمرده نمی شود، پرداخت نماید. حتی اگر اولیاء مقتول به این امر (پرداخت هر جنسی که بزهکار جایز بداند) رضایت نداشته باشند. در مقابل بر اساس قول و نظر بر (تنويع) عمل پرداخت اجناس ديه و انتخاب و جواز بر پرداخت توسط بزهکار منوط به رضایت اولیای مقتول می باشد.

اما هرگاه ما قائل به این باشیم که بر اساس روایات هیچ کدام از دو قول (تخییر و تنويع) مستفاد نمی گردد، چرا که روایات تنها در مقام بیان تقدیر ديه از اجناس مختلف بوده اند، آنگاه می توانیم بگوییم که:

بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی و شرائط خاص زمانی و یا حکم حاکم به پرداخت جنس معین و خاصی از ديه، که هریک در نظر ما باعث تعیین ديه در جنسی خاص می گردند، پرداخت کننده ی ديه می تواند هر کدام از اجناس را که خود انتخاب و اختیار می کند به عنوان ديه پرداخت نماید. زیرا در صورت دوران امر تخییر خواهد بود،

در نظریه ی مرحوم صاحب جواهر «مقدار ديه قتل عمد یکصد شتر سال دار یا دویست گاو یا دویست حله ی یمانی که هر حله دو لباس از بردهای یمانی است یا یک هزار دینار یا یک هزار گوسفند یا ده هزار درهم می باشد، و من مخالف شش نوع مزبور چیزی نیافتم همچنانکه برخی آن شش نوع را شناخته اند بلکه در کتاب الغنیه (ابن زهره) ادعای اجماع بر آن شش نوع و اختیاری بودن انتخاب هر یک از آنها شده است بلکه امکان استفاده از نصوص نیز در مورد انواع دیات شش گانه وجود دارد». (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۵)

نتیجه ی بررسی اقوال فقهای اهل سنت در زمینه ی جواز و یا عدم جواز پرداخت قیمت ديه ی معین این گونه است، که فقهای عامه ديه را منحصر در یک جنس (شتر) می دانند، یعنی شافعی و مالکیه، بدون هیچ تردیدی پرداخت قیمت این جنس معین به عنوان ديه را جایز ندانسته اند، مگر اینکه شتر یافت نشود، و یا بیش از حد گران باشد. البته در صورتی که قاتل و اولیای مقتول با یکدیگر توافق کنند، می توانند قیمت شتر را مبنای پرداخت ديه قرار دهند. در هر صورت آنچه که به عنوان قیمت شتر بر عهده ی جانی می آید، در نظر این گروه از اهل سنت، یا همان مقادیر مشخص شده از درهم و دینار (هزار دینار و دوازده هزار درهم) و یا قیمت شتر در زمان

پرداخت دیه خواهد بود، از هر نوع نقدی که در محل پرداخت رایج است. اما از نظر حنفیه و گروهی از حنابله که دیه را منحصر در شتر نمی دانند، اگر چه خود ایشان تصریحی به جواز پرداخت قیمت دیه ی معین از سایر نقود نکرده اند، اما شاید بتوان گفت چون آنها درهم و دینار را به عنوان قیمت شتر پذیرفته اند، بنابر این جواز پرداخت قیمت دیه ی معین از سایر نقود، در نظر آنها خالی از وجه نخواهد بود. (شفیعی سروسنانی و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۲۴۷)

حضرت امام خمینی قدس سره در کتاب تحریر الوسیله می نویسد: «ظاهر این است که، امور ششگانه [انواع دیات] هر کدام وظیفه اصلی است و جانی در انتخاب هر یک از آنها مخیر است و رعایت تنوع [و جوب هر جنس بر دارندگان آن جنس لزومی ندارد، بنابراین، هر کس می تواند هر نوعی را که بخواهد انتخاب کند ولو اینکه قیمتها مختلف باشد]. (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ص ۵۵۵)

۳-۳. ملاک در پرداخت دیه، تعیین و یا تخیر؟

اکنون به بررسی این موضوع می پردازیم، که آیا بر اهل جنس از اجناس دیه پرداخت همان جنس به نحو تعیین واجب است یا این که خیر؟ این اجناس به نحو تخیر منحصر در همان شش نوع واجب می شود؟ به عبارت دیگر آیا پرداخت کننده ی دیه صرفنظر از این که چه جنسی را بالفعل مالک است و در اختیار دارد، می تواند هر کدام از اجناس را که خود انتخاب می کند به عنوان دیه بپردازد؛ آیا اولیاء دم باید همان نوع را که بزهکار انتخاب می کند بپذیرند؟ آیا اختیار گزینش با بزهکار نیست و باید هر شخصی، متناسب و هماهنگ با کار و شغلی که دارد یکی از موردهای شش گانه را بر گزیند؛ با این وصف که بزهکار آنچه را که با شغل وی سازگار است بپردازد و غیر از آن را نمی تواند بپردازد؛ اولیاء دم نیز باید همان مورد را بپذیرند و حق ندارند مورد های دیگر را از او بخواهند؛ مگر آنکه مورد سزاوار با کار و شغل بزهکار، موجود نباشد و یا دسترسی به آن، ممکن نباشد؛ یا اینکه روایت فقط در صدد تقدیر دیه از اجناس مختلف بوده و هیچ کدام از تخیر و یا تعیین بر سبیل تنوع در روایات اراده نشده است؛ آیا در صورت عدم وجود عواملی چون شرایط خاص زمانی و مکانی، یا حکم حاکم شرع به پرداخت جنس معینی از اجناس دیه، قائل می تواند هر کدام از اجناس که خود اختیار می کند به عنوان دیه پرداخت نماید؟ همانطوریکه بیان گردید تمامی فقها بر اصل بودن همه ی اقسام شش گانه ی دیه اتفاق داشتند. حال سوال در این است که نحوه ی پرداخت دیه چگونه باید باشد؟ آیا بزهکار در پرداخت هریک از انواع دیه آزاد است، و هر یک را اگر انتخاب کند کفایت می نماید؛ اگر چه از نظر ارزش کمترین ارزش را داشته باشد؟ یا این که حق انتخاب با بزهکار نبوده و هر کسی که شغلش مرتبط با این اجناس باشد، یکی از این اصناف ششگانه را برمی گزیند؟ (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۹، ص ۱۴۳)

۴. نحوه محاسبه ی دیه در شرایط کنونی

در عرف کنونی جامعه ما، عملاً هیچ کدام از موارد ششگانه به عنوان دیه پرداخت نمی شود، بلکه معمولاً از نقد رایج زمانه که ارزش اقتصادی مشخصی در هر زمان دارد استفاده می شود. از طرفی با توجه به مجموع روایات، می دانیم که مقصود شارع از تعیین مقادیر ششگانه، صرفاً اجناسی بوده که در زمان صدور روایات رایج بوده و برای همه ی زمان ها و مکان ها به طور ثابت تعیین نشده است. از این جهت اجناس ششگانه واجد خصوصیت ویژه ای نیستند. با توجه به مبانی و مقاصد حکم و در نظر گرفتن شرایط زمانه، باید در نحوه محاسبه و تعیین این اجناس تجدیدنظر نمود؛ مقصود اصلی شارع را که تأمین و جبران خسارت مادی حاصل از عمل جانی است، در نظر گرفت؛ در این صورت دیگر نمی توان قاتل را مخیر گذاشت که مقدار مشخصی از نقره را که در زمان ما فاقد ارزش اقتصادی زمان شارع است و حتی تفاوت فاحشی با آن دارد، ملاک عمل قرار دهد. به همین جهت قوه ی قضائیه جمهوری اسلامی ایران، هر سال به موجب بخشنامه جدید، مقدار دیه را برحسب نرخ تورم و نقد رایج مشخص کرده و آن را ملاک عمل محاکم قرار می دهد.

بنابراین پیشنهاد می شود ادله و مستندات فقهی مقادیر ششگانه و نحوه محاسبه دیات، مورد تجدید نظر و بازبینی قرار گیرد تا مقصود اصلی شارع تأمین گردد. همچنین معلوم شود احکام مربوط به مقادیر دیات، برای زمان ها قابل تغییر و انعطاف بوده و می بایست، با شرایط اقتصادی و مقتضیات هر زمان، قابلیت انطباق داشته و ملاک تأمین هدف و مقصود اصلی شارع باشد، نه جمود بر ظاهر حکم و مواردی که برای شرایط خاص تشریع شده است. این که معصوم چه چیز فرموده است با این که غرض او از صدور این حکم و کلام چه بوده است بسیار تفاوت دارد؛ ما باید در فقه عالی، به دنبال درک و استنباط چرایی حکم و درک مقصود شارع باشیم تا با بن بست روبه رو نشویم و شرایط زمان صدور حکم را فراموش نکنیم؛ همچنین بتوانیم موارد ثابت و متغیر را در احکام فقهی باز شناسیم. در همین مورد نیز با توجه به ادله و شواهد تاریخی که در زمان پیامبر (ص) و حضرت امیر(ع) و حتی خلفا، جنس و مقدار خاصی بیشتر به عنوان دیه پرداخت می شده، می توان فهمید مقصود اصلی از تعیین مقادیر ششگانه دیه، چیزی بیش از مقداری مال معین با ارزش اقتصادی معین نبوده است که می بایست در مقابل ارزش اقتصادی نفس یا عضو تلف شده پرداخت گردد. بنابراین همین نکته موضوعیت پیدا می کند و نه اجناس خاص،

کافیست بدانیم چه میزان مالیت از طرف شارع به عنوان دیه مشخص شده تا بتوان در هر زمان با توجه به نقد رایج و آن چه بین مردم معتبر و رایج است. به تعیین جنس و مقدار پرداختی دیه اقدام و مقصود شارع را تأمین کرد». (معاونت آموزشی قوه قضائیه، ۱۳۸۷)

۵. نظریات مشورتی اداره حقوقی

آنچه که بدیهی است در نحوه ی پرداخت دیه و آیا پرداخت دیه در زمان و مکان طریقت دارد یا موضوعیت که این جای کنکاش و بررسی دارد.

زمانی می توان به موضوعیت دیات ششگانه استناد نموده و قابلیت اجرا دارد که این اصناف سته با هم همسانی داشته و از ارزش یکسانی برخوردار باشند؛ که آن مربوط به اعصار گذشته و زمان پیامبر می باشد. بنابراین در زمان حال اصل بر طریقت دیات است. این موضوع مورد اجماع فقها و صاحب نظران می باشد.

طریقت در دیه در نظریات مشورتی و دکترین به ویژه قانون مجازات اسلامی طرح گردیده و به آن پاسخ داده شده است. با یک تحلیل عقلانی و منطقی تخییر بزهکار در انتخاب هر یک از اقسام ششگانه با توجه به عدم تساوی ارزش آنها و مصداق موضوعیت داشتن دیات ششگانه به دور از عدالت است؛ لذا این بر خلاف شرع و قانون است. از طرفی دیگر در زمینه ی کیفری و یا مدنی بودن دیه در زمان حال گروهی از فقها و حقوقدانان نظر بر تک وجهی بودن دیه و گروهی دیگر بر دو وجهی بودن دیه اعتقاد دارند در ذیل به مصادیقی از مطالب فوق در نظریات مشورتی اداره حقوقی اشاره می نماییم.

اداره حقوقی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه محکوم علیه شتر را به عنوان دیه انتخاب و شاکی عین دیه را مطالبه و دادیار اجرای احکام در تاریخ ۷۲/۹/۵ قیمت هر نفر شتر را سیصد و شصت و دوهزار و پانصدریال و در تاریخ ۷۳/۹/۲۳ قیمت مذکور را هفتصد و هشتادریال اعلام کرده است. شرکت بیمه که طبق بیمه نامه مسئول پرداخت دیه است چگونه به وظیفه خود عمل کند؟ اداره حقوقی در نظریه شماره ۷/۷۱۰۷-۷۳/۱۰/۱۲ پاسخ می دهد که تعیین قیمت شتر و دینار به نحوی که عنوان شده است صحیح نیست؛ زیرا جانی باید عین دیه را بپردازد نه قیمت آن را و پرداخت قیمت در صورتی جایز است که اولیاء دم (یا مجنی علیه) موافق باشند و یا هیچ یک از اعیان دیات قابل تهیه نباشد؛ در صورت تراضی آنچه تراضی کرده اند پرداخت می شود. لکن صورت دوم ظاهراً مصداق ندارد زیرا در حال حاضر گوسفند و گاو و شتر قابل تهیه است؛ ضمناً شرکت بیمه در هر مورد باید طبق دستور مقام قضایی عمل کند مگر اینکه به نحو دیگری قرارداد کرده باشند.

همچنانکه ملاحظه می شود پاسخ مذکور نیز مشکلی را حل نکرده است زیرا اداره بیمه در تعهدات خود نسبت به اشخاص بیمه گذار پرداخت دیه به میزان مقرر در قرارداد از نوع پول رایج کشور را عهده دار می شود نه پرداخت صنوف دیات ششگانه را، و چون مقدار ریالی دیه باید تعیین شود که اداره بیمه آن را پرداخت کند طریقت دیات ششگانه را باید در رابطه با اجرای قراردادهای بیمه پذیرفت. (رضیعی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۹)

فلسفه اینکه شارع دیات را در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ طی شش موضوع قرارداد و منحصر به یک چیز نکرده است این است که بزهکار در پرداخت دیه با مشکل روبه رو نشود؛ به همین دلیل تخییر و انتخاب دیه به خود بزهکار واگذار شده نه مجنی علیه چرا که بزهکار نمی تواند نوع نایاب را انتخاب کند. گروهی از صاحب نظران حقوق دیه را دارای صرفاً جنبه ی کیفری می دانند؛ اما اکثریت فقها و حقوقدانان دیه را دارای جنبه ی دووجهی (کیفری و مدنی) می دانند. چنانکه در نظریه ی اداره حقوقی به شماره ی ۷/۶۷۴۹-۷۲/۱۱/۶ بیان ویژگیهای دیه آمده است که دیه فقط مجازات نیست که با مرگ مجرم ساقط شود؛ بنابر این اگر اولیاء دم، قبلاً خواهان قصاص بوده اند با مرگ قاتل که دادگاه عمل او را شبه عمد تشخیص داده، می توانند مطالبه دیه نمایند. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص ۳۵۰)

در نظریه مشورتی ۷/۱۱۹-۸۲/۲/۱۳ در مورد توافق طرفین در پرداخت دیه آمده است: «چنانکه طرفین به پرداخت قیمت دیه توافق نمایند و یا در حکم دادگاه مبلغ معینی ذکر شده باشد، طبق توافق و یا آن چه در حکم دادگاه است باید عمل شود. ملاک احتساب دیه همان مبلغ مورد توافق و یا حکم دادگاه است. افزایش قیمت دیه در سال های بعد از پرداخت قسمتی از اقساط هیچ گونه تأثیری در مبلغ دیه ندارد». (زراعت، ۱۳۸۴، نظریه ی مشورتی ۷/۱۱۹)

۶. استنباط طریقت از مهلت پرداخت دیه

قانونگذار ایران پس از تعیین انواع دیه در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ و مدت پرداخت دیه از سوی جانی یا عاقله، در ماده ۳۰۲ همان قانون چنین بیان می کند «مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از وقوع قتل به ترتیب زیر است:

الف) دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود.

ب) دیه قتل غیر عمد در ظرف دوسال پرداخت می شود.

ج) دیه قتل خطا محض در ظرف سه سال پرداخت می شود.

تبصره ۱: تأخیر از این مهلت ها بدون تراضی طرفین جایز نیست.

تبصره ۲: دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت می شود.

ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی تبصره ۱ ماده ۳۰۲ را تخصیص می زند و مهلت بیش از دوسال را تجویز می نماید. متن ماده به

این شرح است: «اگر قاتل در شبیه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می شود».(منصور،

۱۳۷۰، ماده ۳۰۲)

از مهلت مقرر در شرع اسلام و نیز قوانین ایران برای پرداخت دیه می توان طریقت داشتن انواع دیات ششگانه را استنباط نمود زیرا پس از انتخاب نوع دیه از سوی جانی نحوه پرداخت آن به طور اقساطی در مهلت مقرر و مراجعه مکرر به واحد اجرای احکام خصوصاً در مواردی که محکوم له حضور ندارد با تعیین قیمت انواع دیات خواهد بود زیرا همچنانکه قبلاً اشاره شد ممکن است هیچ یک از طرفین ساکن محل دادگاه رسیدگی کننده نباشند و محکوم له بخواهد در هر چندماه یکبار جهت وصول دیه مراجعه کند که در این صورت پرداخت از نوع شتر یا گاو یا گوسفند از سوی جانی و دریافت آن از سوی مجنی علیه یا ولی دم مقدور نخواهد بود. به علاوه در مواردیکه ولی دم بیش از یک نفر می باشد و دیه به عنوان ترکه مقتول باید بین وارث حین الفوت وی تقسیم گردد ضرورت پرداخت قیمت انواع دیات بیشتر احساس می گردد، مثلاً در مورد قتل غیرعمدی یک مرد مسلمان، همسر دائمی وی یک هشتم دیه را به ارث می برد حال اگر دیه از نوع شتر باشد سهم این زن دوازده و یک دوم شتر خواهد بود؛ در حالیکه می دانیم پرداخت نصف شتر عملاً غیرممکن است و ناچار باید در مورد نصف شتر به قیمت آن اکتفا نمود.

۱-۶. طریقت در اعیان سته و موضوعیت در مقدار

به نظر (آیت اله صانعی) اصناف دیه که در اخبار و روایات دیه آمده، موضوعیت ندارد؛ به این معنی که جانی اگر بخواهد قیمت بپردازد طرف ملزم به قبول است لکن موضوعیت در (مقدار) دارد.

علی هذا باید قیمت یوم الاداء را بپردازد لکن چون زمان قطعیت حکم و صدور آن زمان آداء و پرداخت محسوب می شود و لذا تخلف بزهکار از ادای بعد از آن خلاف و معصیت است پس تقویم و محاسبه در آن زمان در حقیقت بر می گردد به محاسبه زمان الاداء. لکن این راه نسبت به دیه قتل عمد در جایی که دیه قانونی است مثل قتل الوالد ولده و یا نسبت به آنچه را در سال اول که بعد از حکم باید بپردازد در شبهه عمد یا خطای محض روشن و بدون اشکال است اما نسبت به سال بعد که الان قیمت تقویم می شود ممکن است محل اشکال از جهت لزوم یوم الاداء باشد، اما چون ظاهراً دیه بعد از حکم، دین است که به ذمه بزهکار قرار گرفته و امور سته هم به عنوان حد و مقدار است، لذا تعیین قیمت در همان زمانی که به ذمه ی بزهکار قرار میگیرد یعنی یوم الحکم مانعی ندارد.(رضیعی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴)

شایان ذکر است که از بین نظرات علماء آیت اله صانعی نظری متمایز از سایرین دارد که مربوط به نظر ایشان در خصوص طریقت داشتن دیات ششگانه است؛ دیه قتل نفس مرد مسلمان به میزان یکصدشتر و در مورد سایر انواع دیات نیز قیمت آنها براساس مقدار معین آنها تعیین خواهد شد. مثلاً قیمت یک هزار رأس گوسفند یا دویست رأس گاو به عنوان دیه مرد مسلمان خواهد بود.

۲-۶. تعذر حقیقی و تعذر عرفی

اما درخصوص تبصره ۱ ماده ۲۹۷ سال ۱۳۷۰ و تعبیر کلمه تعذر، قضات بر دو دسته شدند:

۱-۲-۶. تعذر حقیقی: بر این اساس عده ای از قضات می گویند، که در زمان حال، درهم، دینار و حله وجود ندارد، بنابراین باید

قیمت آنها به عنوان دیه پرداخت گردد؛ ولی سه گونه دیگر از احشام شش گانه یعنی شتر، گاو و گوسفند در حال حاضر موجود بوده و باید به عنوان دیه پرداخت شود و دیگر نمی توان قیمت آن را پرداخت نمود.

۲-۲-۶. تعذر عرفی: عده ای دیگر از قضات معتقدند که چون تهیه ی هر یک از احشام شش گانه دیه میسر نبوده و سخت

می باشد و رد و بدل کردن آن به سهولت امکان پذیر نیست و در بین مردم هم رایج و متداول نیست لذا بر اساس اصل شریعت سهله سمحه

باید بهترین راه را برای پرداخت دیه جستجو کرد؛ لذا بزهکار قیمت دیه را براساس نرخ شتر محاسبه نموده و پرداخت نماید. در اکثر نظرات اداره ی حقوق به موارد فوق اشاره گردیده است از جمله طریقت اقسام شش گانه ی دیه و نه موضوعیت آن، وجود اصل **تخیر** بزهکار به این معنی که بزهکار هریک از انواع دیه را که آسانتر می تواند تهیه نماید انتخاب کند؛ لذا اگر در صورت تخیر نوع و جنسی را انتخاب نماید که قادر به تهیه ی آن نباشد، ملزم به تهیه ی نوع دیگری می گردد. البته در صورت تراضی بزهکار و مجنی علیه و یا این که هیچ یک از انواع دیات در دسترس نباشد، قیمت روز با جلب نظر کارشناسی پرداخت می گردد.

وفق ماده ۴۹۵ ق.م.ا سال ۱۳۷۰ نظریه کارشناس در این مورد طریقت دارد. بر اساس قانون مجازات سال ۱۳۹۲ و آنچه که در کتب معتبر حقوقی از جمله کتاب و مرجع غنی محشای قانون مجازات اسلامی به تالیف و تدوین استاد گران سنگ ایرج گلدوزیان استنتاج می گردد، و همچنین در سایر کتب حقوق نیز بیان گردیده است، تغییرات ماهوی در اصول اصلی مانند: طریقت داشتن دیات شش گانه، وجود اصل تخیر که در صورت توافق طرفین و قیمت روز که این مورد با توجه به قیمت سوقیه و نرخ تورم محاسبه می گردد. در کلیه ی آراء وحدت رویه و به ویژه نظرات مشورتی اداره ی حقوقی به تمامی موارد مذکور تصریح گردیده است. در خصوص ماده ۴۹۶ ق.م.ا سال ۱۳۷۰ که در آن مواردی از دیات که دیه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است، شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است که جانی در انتخاب نوع آن مخیر می باشد. (زراعت، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳)

۷. قابلیت اجرای اصل تخیر بزهکار در عصر حاضر

یکی از بهترین تحولات در زمینه تناسب میزان دیه با مقتضیات روز صدور هر ساله بخشنامه دادگستری است که در آن توصیه می نماید محاکم قیمت سوقیه سه نوع از دیات (شتر، گاو، گوسفند) را مبنای عمل خود قرار دهند. در اجرای ماده ۴۴۸ ق.م.ا. قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ با توجه به فتوای مقام معظم رهبری حضرت آیت اله خامنه ای در خصوص تعیین قیمت سوقیه اعیان احشام موضوع احکام دیات با نظر کارشناسی از افراد خبره ارزش اعیان احشام است. در حال حاضر به جهت تفاوت فاحشی که بین قیمت انواع دیه است، تخیر بین انواع ششگانه دیات بی مورد است. این در زمان شارع که قیمتها برابر بود موجب تسهیل برای جانی بود ولی امروزه سبب تضییع حق مجنی علیه و مغایر با اصل عدالت می باشد.

تقدیر دیه و بیان مقادیر دیه از اجناس مختلف بوده است. از روایات حداقل این استفاده را می توان کرد، در صورتی که شخص بالفعل مالک یکی از اجناس ششگانه دیه باشد در غالب موارد او را مکلف به تحمیل جنس دیگری که بالفعل در اختیار ندارد نمی کنند (مخیر نمودن بزهکار در انتخاب نوع دیه). غرض شارع تنها به پرداخت میزانی معین از مالیت تعلق گرفته و جنس دیه پرداختی در نظر او مدخلیتی نداشته است. رسول اکرم (ص) با توجه به مقتضیات زمان، وضع محیط عربستان و عرف آن روز میزان صد شتر را به عنوان دیه قرارداد و این امر مانع از آن نیست که در زمان ها و مکان های دیگر با توجه به مقتضیات زمان و مکان، مقدار دیه تعیین گردد.

بر اساس آنچه که گذشت و با توجه به نظرات فقهای امامیه و عامه، ابتدا در خصوص اصل یا فرع بودن دیات شش گانه که احتمالاتی از سوی تعداد اندکی از فقهای عامه و امامیه با این وصف که مثلا شتر اصل است و سایر اصناف دیه فرع بوده ولذا باید بر اساس شتر سنجیده شوند لذا با توجه به این سنجش سایر اجناس بر اساس ملاک شتر بزهکار اختیار انتخاب هر گونه را دارد. عده ای دیگر دینار را اصل دانسته و گروهی دیگر هیچکدام از دیات شش گانه را اصل ندانسته و معتقدند که حاکم اسلامی با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان آنرا تعیین می کند (مقادیر دیه و اصل تخیر منتفی است) اما من حیث المجموع اکثریت فقهای شیعه و اهل سنت تمامی اصناف شش گانه ی دیه را اصل می دانند. اما از نظر بعضی منتقدان همچون محقق اردبیلی، دلیلی به اصل بودن مورد های شش گانه نداریم، گویا دلیل آن اجماع است و یا نصی که ما به آن دست نیافتیم. اما در خصوص تقدیر و پرداخت دیه، گروهی از فقها استناد نموده اند به فرمایش امام صادق (ع) که ((دیه عبارت است از صد شتر)). حال بعضی ها گفته اند که آیا بزهکار می تواند قیمت شتر را بپردازد؟ اکثر فقها در پاسخ گفته اند که قابل پرداخت نیست. نقدی که بر این گفته و روایت وارد شده است این می باشد که بعضی از فقها احتمال داده اند که حضرت خواسته اند بگویند که لازم نیست زاید بر صد شتر چیز دیگری به عنوان دیه پرداخت شود، شاید این اشاره به سنن رایج در میان بعضی از قبایل عرب داشته است. اما اشکالی که به این نظریه وارد است این است که ملاک قرار دادن شتر در جامعه ی امروزی امکان پذیر نیست؛ زیرا در برخی کشور ها ملاک در پرداخت، نه شتر است و نه قیمت آن، اگر تنها به ظاهر این روایت که دیه اختصاص به شتر دارد بنگریم، به این نتیجه میرسیم که چیزی جز صد شتر در دیه به هیچ روی پذیرفته نیست و باید آن را با ارزش مالی خودش پرداخت.

گروهی از فقها که تعیین مقدار پرداخت دیه توسط بزهکار را به دست حاکم اسلامی سپرده معتقدند بودند که حاکم اسلامی با در نظر گرفتن معیار ها و چارچوب های زمانی و مکانی مبلغ و مقدار دیه را اعلام می کند. بنابر دستور مقام معظم رهبری و رئیس قوه ی قضائیه هر شش ماه یکبار قیمت دیه معین و بر اساس آن عمل می شود. علت این امر هم مرتبط با تاثیر زمان و مکان است. در بیان تاثیر

گذاری زمان و مکان بیان گردید که: ۱-گاهی زمان شرط وجوب است مانند حلول ماه رمضان برای روزه گرفتن ۲-گاهی شرط واجب است مثل حلول ماه ذی الحجه برای انجام مناسک حج ۳-گاهی هم شرط موضوع هر زمانی نیز قید آن است (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۶)

۸. نتیجه

تأثیر زمان و مکان چنان نیست که خود زمان یا مکان اثر بگذارد، بلکه زمان و مکان ظرفی است که یک همراهان و وارداتی دارد یعنی زمان و مکان تأثیراتی بر ثبات یا تغییر قوانین و مقررات شرع دارد. با توجه به موارد فوق و نظرات فقهی و وجوه افتراق و تشابه میان این نظرات در فقه عامه و امامیه در تأثیر زمان و مکان در تقدیر دیه اولاً: بنابر نظر مشهور عامه و امامیه در آن زمانی که ارزش دیات ششگانه (شتر، گاو، گوسفند، حله، درهم و دینار) مساوی بوده است؛ بزهکار بر اساس اصل تخییر عمل می نمود یعنی هر یک از انواع شش گانه را که در اختیار داشت به عنوان دیه می پرداخت. اما بنا به نظر آیت الله مرعشی و فقهای متأخر، تخییر در زمانی که بین انواع، تفاوت قیمت باشد معنا ندارد و نا معقول است لذا مسأله‌ی تخییر با مقتضیات زمان سازگار نیست. برخی از فقها اعتقاد به تنويع دارند که آن هم در صورت تساوی ارزش انواع دیات ششگانه است و در زمان حال مصداق ندارد؛ لذا هیچ یک از مقادیر ششگانه موضوعیت ندارد و آنچه مهم است، پرداخت آن میزان مالیاتی است که ملحوظ شارع بوده است.

در قوانین جزایی و مبحث دیه قانونگذار پس از ملاحظه‌ی مشکلات مندرج در قانون دیات مصوب سال ۱۳۶۱ در سال ۱۳۷۰ به حل برخی از آنها با توجه به مقتضیات زمان پرداخت و در مورد دیه قتل مرد مسلمان مقرر داشت: «دیه مرد مسلمان یکی از امور ششگانه‌ی ذکر شده است و در تبصره ماده ۲۹۷ نیز بیان فرمود که قیمت هر یک از امور شش گانه در صورت تراضی طرفین و یا تعدّر همه‌ی آنها پرداخت می شود. دکتر گلدوزیان در کتاب محشای قانون مجازات در حاشیه ماده ۲۹۷ سال ۷۰ ضمن اشاره به نظر فقها، جانی را در انتخاب قیمت هریک از اصناف سته دیه مخیر نموده بود و دادگاه نیز نمی توانست این حق را از جانی ساقط نماید که حتی بعد از صدور حکم از سوی دادگاه حق جانی ساقط نمی گردید (در انتخاب نوع دیه) البته در تبصره ماده ۲۹۷ اشاره به تراضی طرفین گردیده است که در صورت عدم تراضی مبلغ دیه جهت پرداخت براساس قیمت سوبیه تعیین خواهد شد. در عصر حاضر به دلیل تغییر معاملات اقتصادی بر خلاف عصر صدور روایات، مقادیر شش گانه که قاتل در انتخاب هریک از آنها به عنوان دیه آزاد بود، در این زمان از نظر ارزش با یکدیگر برابری نداشته و تفاوت فاحشی میان قیمت ریالی وجود دارد.

از مجموع شواهد و قرائن چنین مستفاد می گردد که هیچ کدام از تخییر یا تنويع در روایات اراده نگردیده است؛ بلکه آنها (تخییر، تنويع) در جهت تعیین و تقدیر مقادیر دیه بوده اند؛ شاید هم به دلیل همین نکته باشد که ما از میان روایات رسیده روایتی که جامع هر شش قسم دیه باشد را نداشته باشیم. زیرا ائمه معصومین در تعیین مقدار دیه آن اجناسی که بیشتر در دسترس مردم بوده است را بیان می فرمودند؛ چنانکه به عنوان مصداق در اکثر روایات می بینیم که دیه با اجناسی مثل شتر، درهم، دینار تقدیر گردیده اند. همانطور که پیش تر گفتیم اگر تخییر منظور و هدف شارع باشد لازم بود تا تمامی افراد تخییر در روایات ذکر می شد، در حالی که تنها در یک روایت ناقص تخییر در دیات شش گانه آمده است.

منابع و مراجع

- ۱- نجفی، م. ج.، (۱۳۶۷)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه. النهایه فی مجردالفقه و الفتاوی، دارالکتب العربی.
- ۲- مرعشی شوشتری، م. ج.، (۱۳۷۲)، بحثی تاریخی، اقتصادی، فقهی درباره دیات ششگانه، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، (۷).
- ۳- الحسینی العاملی، م. ج.، (۱۳۰۱ ق)، مفتاح الکرامه، قم، مؤسسه آل البيت.
- ۴- علامه حلی، ح. ی.، (۱۴۱۳ ق)، قواعد الاحکام، منشورات رضی، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۵- طرابلسی، ع. ب.، (۴۸۱ ق)، مهذب، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۶- زحیلی، و. (۱۴۲۷ ق)، الفقه الاسلامیه و الادله، قم، انتشارات مدائن، اول.
- ۷- شفیعی سروستانی، ا. م. ج.، (۱۳۷۶)، قانون دیات و مقتضیات زمان، چهارم، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۸- خمینی، ر.، (۱۳۶۳)، تحریرالوسیله.، تهران، موسسه نشر اسلامی. موسوی
- ۹- حرّ عاملی، م.، (۱۳۹۱)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۱۰- معاونت آموزشی قوه قضائیه، (۱۳۸۷)، سلسله پژوهشهای فقهی، حقوقی (۹) ثبات و تغییر در جرائم و مجازات ها با مطالعه ی تطبیقی، قم، دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی، نشر قضا.
- ۱۱- رضیعی، بهمن، (۱۳۷۸)، مجله حقوقی دادگستری، (۲۷).
- ۱۲- گلدوزیان، ا.، (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی، هیجدهم، تهران، نشر مجد.
- ۱۳- زراعت، ع.، (۱۳۸۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، سوم، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۱۴- منصور، ج.، (۱۳۷۰)، تدوین قانون مجازات اسلامی، شصت و یکم، تهران، نشر دیدار.
- ۱۵- منصور، ج.، (۱۳۹۳)، تدوین قانون مجازات اسلامی، صد و بیست و سوم، تهران، نشر دیدار.